



آنگاه عیسی به آن دوازده گفت: «آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟» یوحنا ۶: ۶۷



عیسای ناصری انسان کامل و خداوند کامل هست – نه در یک بازه برابر و موازی بلکه ذاتی کامل و صد در صد از هر دو را در یک وجود در آن واحد دارا می‌باشد. این نتیجه‌گیری و بی‌همتا بودن این مسئله باعث اعجاز و سخت فهم شدن لباس جسم پوشیدن خداوند برای ما می‌شود. او به این جهان پای نهاد تا نمونه یک انسان کامل را به نمایش بگذارد و در عین حال طبیعت خدا بودن خود را همچنان که از ازل به همراه داشت در زمان بودن در لباس جسم هم به طور کامل دارا بود و خواهد بود.

بعضی اوقات او جلوه‌ای از خداوندی خود را به نمایش می‌گذاشت مانند زمانی که معجزات را به عمل می‌آورد و یا ذهن افراد را می‌خواند. گاهی اوقات هم جلوه انسانی خود را نشان می‌داد با گریه کردن و جان دادن بر روی صلیب. کلماتی که در آیه بالا از دهان عیسای مسیح بیرون آمد به وضوح وجه انسانی او را به رخ ما می‌کشد، او برای ما مخلوطی عجیب از حس ترحم و عالم مطلق بودن را به ارمغان می‌آورد. فرزند یگانه خداوند محبت خود را عرضه می‌کند ولی پس‌زده می‌شود. او حتماً جواب شاگردان را می‌دانست و جایی برای تعجب برای او وجود نداشت اما نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد و این سوال را از آنها می‌پرسد، با این کار او یک نشانه و پیشگویی از آینده نزدیک را هم می‌کند که آنها به او پشت خواهند کرد و او بر روی صلیب خواهد رفت. با این کار او آنها را به نوعی امتحان می‌کند و به موازات آن جواب این تست را هم به خوبی می‌داند!

پدر آسمانی،



این قسمت از کلام ما را به صورتی جدی به چالش می‌کشد. مرسی برای اینکه یگانه فرزندت لباس جسم پوشید در حالی که ذات الهی خود را کاملاً به همراه داشت. مرسی که انسانیت کامل او را در اینجا به ما نشان دادی. مرسی که او این ریسک را کرد تا توسط شاگردانش رها شود تا ما هیچ وقت این ریسک برایمان وجود نداشته باشد که توسط خداوندمان رد شویم. آمین!